

جشن چهارشنبه سوری

نوشته شده بهزاد فرهانیه
۱۴ اسفند ۱۳۸۵

برابر با شب آخرین چهارشنبه‌ی سال جشنی به نام «چهارشنبه سوری» یا «جشن سوری» در سراسر سرزمین‌های ایرانی همراه با آتش افروزی و پریدن از روی آن و مراسمی ویژه برگزار می‌شود.

«دل هر ایرانی آتشکده‌ای است»

ابراهیم پور داوود

پیشینه‌ی جشن چهارشنبه سوری

از دیرباز تا کنون، آتش در نزد ایرانیان از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار بوده است و بیشتر جشن‌ها و آیین‌ها پیوند نزدیکی با آتش داشته و دارند. گمان می‌رود که جشن چهارشنبه سوری نوع تغییر یافته‌ای از گاهنبار «همس پت میدیم گاه» ششمین و آخرین گاهنبار سال است. بخش نخست این واژه یعنی «همس» از «هم» به معنی گرما و تابستان در زبان اوستایی گرفته شده است و واژه‌ی همس پت میدیم روی هم به معنی برابر شدن روز و شب و آغاز گرما است و این گاهنبار در روز نخست پنجه‌ی پایان اسفندماه برگزار می‌شود.

«در هیچیک از متون باقیمانده‌ی پیش از اسلام اشاره‌ای به جشن چهارشنبه سوری نشده است. در اوستا، کتیبه‌های عیلامی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی و نیز در متون پهلوی و حتی در روایت‌های مورخان یونانی درباره‌ی ایران نیز درباره‌ی جشن چهارشنبه سوری سخنی گفته نشده است.»

متون دوران پس از اسلام نیز در این باره تقریباً ساکت بوده‌اند، حتی در آثار محقق دقیقی همچون «ابوریحان بیرونی» نیز درباره‌ی آن توضیحی داده نشده است. اما برخی اشاره‌ها در تعدادی از متون کهن، نشان‌دهنده‌ی این است که گویا چهارشنبه‌سوری نه تنها برگزار می‌شده، بلکه از آن به عنوان «عادت قدیم» نیز نام برده شده است. (۱)

نخستین و کهن‌ترین کتابی که در آن به چنین آتش‌افروزی اشاره شده است، کتاب «تاریخ بخارا» نوشته‌ی ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (۲۸۶ تا ۳۵۸ هجری قمری) است. در این کتاب که به نام «مزارات بخارا» نیز شناخته می‌شود، واقعه‌ای به شرح زیر از میانه‌ی سده‌ی چهارم و زمان «منصور بن نوح سامانی» نقل شده است:

«.... و چون امیر منصور بن نوح به مُلک بنشست، اندر ماه شوال سال سیصد و پنجاه، به جوی مولیان، فرمود تا آن سرای را دیگر بار عمارت کردند و هرچه هلاک و ضایع شده بود بهتر از آن به حاصل کردند. آن‌گاه امیر به سرای بنشست و هنوز سال

تمام نشده بود که چون «شب سوری» چنان‌که «عادت قدیم» است، آتشی عظیم افروختند. پاره‌ای از آن بجست و سقف سرای در گرفت و دیگر باره جمله سرای بسوخت.» (۲)

در این روایت هرچند به صراحت به زمان برگزاری جشن اشاره نشده است، اما عبارت «هنوز سال تمام نشده بود» و نیز «شب سوری» گویا اشاره به مراسم چارشنبه‌سوری دارد که شاید در آن زمان، انجام مراسم در شب چارشنبه، تثبیت نشده بوده است.

دومین متن کهن که اشاره‌ای هرچند غیر مستقیم به جشن چارشنبه‌سوری دارد، شاهنامه‌ی فردوسی است. در داستان بهرام چوبینه با «پرموده» پسر ساوه‌شاه آمده است که هنگامی که هر دو سپاه آماده‌ی رزم بودند، ستاره‌بینی بهرام را پند می‌دهد که :

ستاره شمر گفت بهرام را اگر زین بیچی گزند آیدت یکی باغ بُد در میان سپاه بشد «چارشنبه» هم از بامداد ببرند پر مایه گسترده‌ی	که در «چارشنبه» مزن کام را همه کار ناسودمند آیدت از این روی و زان روی بُد رزم‌گاه بدان باغ که امروز باشیم شاد می و رود و رامشگر و خوردنی
:	
ز جیهون همی آتش افروختند	زمین و هوا را همی سوختند (۳)

درباره‌ی این سروده‌های شاهنامه ذکر چند نکته ضروری است:

«**نخست این‌که** بر مبنای واژه‌نامه‌ی فریتس وُلف، در سراسر شاهنامه به جز یکشنبه و چارشنبه، روز دیگری از هفته نام برده نشده است و تنها باری که از چارشنبه یاد شده، در همین داستان و همین جشنی است که در زمان بهرام چوبین انجام شده و این کهن‌ترین یادکرد جشن چارشنبه در متون است. هرچند که زمان سرایش شاهنامه چند دهه پس از تاریخ بخارا بوده است، اما موضوع داستان به صدها سال پیش از آن باز می‌گردد.

دوم این‌که آوردن نام چارشنبه در داستان بهرام چوبین خود دلیل دیگری است که روزهای هفته در ایران باستان وجود داشته است.

سوم این‌که برخلاف اعتقاد عربان که روز چارشنبه را نحس و بدیمن می‌پنداشتند و این اعتقاد در آثار جاحظ و حتی منوچهری دامغانی نیز راه یافته است، اما ایرانیان نه تنها این روز، بلکه هیچ روز و زمان دیگری را نحس نمی‌پنداشتند و بخصوص چارشنبه را گاه کام و جشن دانسته‌اند.» (۴)

این جشن با «آب» نیز در پیوند است و در برخی نقاط، پریدن از روی نهر یا آوردن آب از چشمه توسط دختران و شکستن کوزه‌های آب دیده شده است. در شیراز دختران و زنان از بامداد چارشنبه‌سوری تا پایان روز به آب‌تنی در چشمه‌ی کنار آرامگاه سعدی می‌پردازند و پسانگاه پسران و مردان آن‌را ادامه می‌دهند.

در آذربایجان (و نیز در جمهوری آذربایجان کنونی (آران)) جشن چارشنبه‌سوری در هر چهار چارشنبه‌ی اسفندماه برگزار می‌شود. برخی جشن چارشنبه‌سوری را به دلیل نبود روزهای هفته در ایران باستان، جشنی نوساخته قلمداد می‌کنند در حالی که این پندار درست به نظر نمی‌رسد. هرچند که از دلایل و دیرینگی چارشنبه‌سوری آگاهی چندانی در دست نیست، اما شواهد متعددی در وجود نام روزهای هفته در ایران باستان در دست است و از جمله در شاهنامه‌ی فردوسی هم به نام روزهای هفته و هم به جشن آتشی در «چارشنبه‌روز» اشاره شده است. با توجه به شواهد موجود، احتمال می‌رود که این جشن با جشن «فروردگان» در بیست و ششم اسفند و نیز با خانه‌تکانی پایان سال و پاکیزگی خانه در پیوند باشد. پریدن از روی آتش نیز بر خلاف برخی پندارها بهیچ‌وجه بی‌احترامی به آتش نیست، بلکه این کار بگونه‌ای نمادین برای سوزاندن و پاک کردن همه‌ی بدی‌ها و نادرستی‌ها و کدورت‌ها انجام می‌شود. سرودها و ترانه‌های معروف چارشنبه‌سوری نیز به این نکته اشاره دارند. (۵)

گستره‌ی برگزاری جشن چارشنبه‌سوری

در همه‌ی سرزمین‌های ایرانی در فاصله‌ی پنج هزار کیلومتری کردستان تا چین، آیین جشن چارشنبه‌سوری به همراه مراسم جانبی بسیار متنوع و زیبای آن و سرایش ترانه‌های شادی بخش و جشن و پایکوبی برگزار می‌شود. گستره‌ی برگزاری این جشن حوزه‌ی حضور فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد. این گستره نه تنها کشور ایران بلکه از سرزمین‌های شرق عراق و شمال آن (کردستان غربی)، شمال سوریه، شرق ترکیه، جنوب روسیه (داغستان و چچنستان)، آذربایجان و قفقاز، ارمنستان، غرب پاکستان، افغانستان، جنوب ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، غرب و شمال هند و غرب چین تشکیل می‌شود. (۶)

مراسم شب چارشنبه‌سوری

در شب چارشنبه‌سوری، به جز روشن کردن سه یا هفت کوبه آتش به یاد سه پند بزرگ ایرانیان، «اندیشه‌ی نیک»، «گفتار نیک»، و «کردار نیک» و یا هفت امشاسپند «هرمزد»، «وهومن»، «اردیبهشت»، «شهریور»، «سپندارمذ»، «خورداد» و «امرداد»، مراسمی ویژه‌ی نیز برگزار می‌شود مانند:

آتش افروزی بر فراز خانه‌ها و بلندی‌ها، خانه‌تکانی پیش از چارشنبه‌سوری، خریدن آئینه و کوزه‌ی نو، خرید اسفند (اسپند دانه)، چراغانی، تهیه و خوردن آجیل هفت مغز، کوزه شکستن، فال گوش ایستادن، فال کوزه، ریختن آب قلیا و آب دباغ‌خانه به گوشه و کنار خانه، به صحرا رفتن در روز چارشنبه‌سوری، تخم مرغ شکستن، شال اندازی، قاشق زنی، گره‌کشایی از بخت دختران با بستن قفل به گردن یا گوشه‌ای از چادر، نشستن روی چرخ کوزه‌گری، شکستن گردو، گفتن آرزوها به آب روان، فریاد زدن خواسته‌ها در چاه قدیمی، کمک خواستن از «چارشنبه‌خاتون»، رنگ کردن خانه با گل‌هایی به رنگ آبی و زرد، پختن آش ویژه‌ی چارشنبه‌سوری و...

////////////////////

گزیده‌ای از مراسم ویژه‌ی چهارشنبه‌سوری در جای جای ایران

مراسم قاشق زنی که تقریباً در همه‌ی سرزمین‌های ایرانی برگزار می‌شود بدین گونه است که مردم و بعضاً کودکان کاسه و قاشق را به هم کوبیده و در پشت در پنهان می‌شوند و صاحبخانه نیز تخم مرغ یا تنقلاتی داخل کاسه می‌گذارد. قاشق زنان چه مرد چه زن اغلب خود را با چادر می‌پوشانند.

در تاجیکستان و ازبکستان، در بخارا و سمرقند و شهر سبز، در شب چهارشنبه‌سوری همه‌ی مردم شستشو می‌کنند و مردان پس از تراشیدن موی سر خود از روی بوته‌ی آتش فروزان می‌پرند و می‌گویند: «روی پاک از تو، دامن پاک از ما» (۴)

در بدخشان و شمال افغانستان نیز دختران موی سر خود را به چهل رشته تقسیم کرده و آن را می‌بافند و در انتهای رشته‌ی موها ترکیه‌ی ظریفی می‌بندند تا تمام چهل رشته به ترتیب در کنار یکدیگر قرار گیرند و هنگام پریدن از روی آتش می‌گویند: «به روی مبارکت کردم. زردی مرا گیر و سرخی‌ات را بده». در بعضی از دهات درواز بدخشان از شب تا بامداد نوروز برگرد آتش می‌نشینند و می‌رقصند.

در غرب چین در شهرهای یارکند و تاشغورقان و نیز در کاشغر مردم در اطراف درخت کهنسالی که آن را یادگار آرش تیرانداز و آن‌جا را مرز ایران می‌دانند، آتش می‌افروزند و می‌گویند «زیان و زحمتان را افشانیدیم و سوزاندیم»

در آذربایجان، جعبه‌های کوچکی با کاغذهای رنگین به شکل کجاوه درست کرده و ریسمانی به آن می‌بندند و از روزن سقف خانه یا پنجره به داخل آویزان می‌کنند، صاحب خانه نیز شیرینی و خوراکی‌های را که از پیش آماده کرده درون این کجاوه‌ها می‌ریزد.

در روستای هشتروند مراغه، هفت سنگ بر پیرامون بام خانه می‌چینند و در میان بام، آتش را در کنار کاسه‌ی آبی برمی‌افروزند و پس از پایان مراسم، کاسه‌ی آب را بر سر خانواده یا همسایگان خالی می‌کنند و برای آنان با گفتن «زندگی‌تان به روشنی درآید» زندگی خوب و روشنایی آرزو می‌کنند.

در بسیاری از روستاهای استان مرکزی ایران جوانانی که نامزد دارند از روی بام خانه‌ی دختر، شال خود را پایین می‌کنند و دختران در گوشه‌ی آن شال شیرینی و تخمه می‌پیچند. این رسم را «شال اندازی» می‌گویند.

در کرمانشاه زنان آبستن با آوردن هیزم برای آتش چهارشنبه‌سوری، باور دارند که هر چوبی که در آتش می‌گذارند پلیدی‌ها و وقایع ناگوار را از فرزندشان دور می‌کنند.

مردم شاه آباد (اسلام آباد) استان کرمانشاه، چهارشنبه‌سوری را جشن پیروزی کاوه‌ی آهنگر بر ضحاک می‌دانند و هر ساله به پاس این پیروزی در کوه‌های پیرامون شهر و روستا آتشی بزرگ برافروخته و با خواندن آوازهای گروهی و جشن و پایکوبی تا نیمه‌های شب بر گرد آتش می‌چرخند.

زرتشتیان روستای مریم آباد یزد نیز بر این باورند که آتش چهارشنبه سوری، آتشی است که «منیزه» به هنگام کوشش برای رهایی «بیژن» از چاه، بر سر دهانه‌ی چاه روشن کرده است.

در خراسان هر خانواده چهارشنبه سوری را با سه یا هفت بوته‌ی آتش آغاز کرده و همه‌ی اعضا خانواده از روی آتش می‌پرند و می‌خوانند: «آل به در، بلا به در، دزد به در و حیز از دهات به در» و پس از پایان مراسم آتش را به حال خود می‌گذارند تا خاموش شود و آب ریختن و دمیدن بر آتش را گناهی بزرگ می‌دانند.

در روستای آزادور در دشت جوین خراسان نیز، سیزه‌ی نوروزی را در بین بوته‌های آتش قرار داده و از روی آن هم می‌پرند در حالیکه آیینی و کاسه‌ی آبی نیز در کنار آتش به چشم می‌خورد.

در بین ترکمنان بجنورد از این شب به نام «چارشنبه‌ی سنگین» یاد می‌شود و در این شب بین همسایگان و آشنایان، آتش رشته و نان روغنی و آبگوشت پخش می‌کنند.

در هرات و بلخ دیگر شهرهای افغانستان، خاکستر چارشنبه سوری را دختری جمع کرده و در کنار روستا می‌ریزد و هنگام بازگشت در می‌زند و اهل خانه می‌پرسند کیست؟

دخترک می‌گوید منم.

می‌پرسند از کجا می‌آیی؟

می‌گوید: از عروسی.

می‌پرسند چه آورده‌ای؟

می‌گوید: تندرستی.

در روستای زرتشتی نشین قاسم آباد یزد نیز پس از مراسم چهارشنبه سوری مراسم «چک و دوله» برگزار می‌شود. به این ترتیب که یک دولچه‌ی (سطل) کوچک را برمی‌دارند و دترو آن کمی آب همراه با آویشن و برگ سبزی می‌ریزند. هرکس آنجا هست چیزی از خودش مانند انگشتر و ... را درون آن می‌اندازد، پس از آن روی دولچه را با پارچه‌ی سبزی می‌پوشانند و یک دختر نابالغ را در میان جمع خود نشانده و این دولچه را به دستش می‌دهند. دخترک اشیا را یکی یکی در مشت خود پنهان می‌کند و بیرون می‌آورد و یک نفر دیگر دو بیته‌هایی را می‌خواند و پس از خواندن دو بیته‌ی دخترک شیئی را نشان می‌دهد و صاحب آن با توجه به شعر خوانده شده به نیت و تعبیر خود می‌رسد.

در تهران، زنان با حبوباتی که از راه قاشق زنی گردآوری کرده‌اند، آشی می‌پزند با نام «ابودرد» و باور دارند که این آش علاج همه‌ی بیماری‌ها است. همچنین در این شب دختران گوشه‌ی روسری یا چادر خود را گره می‌زنند و در بیرون خانه به نخستین کسی که برسند می‌خواهند که این گره را بگشاید تا گره‌های سال آینده باز شود. (۶)

آجیل چهارشنبه سوری نیز همچون همه‌ی جشن‌های ایرانی جز ضروریات سفره‌ی شب چهارشنبه سوری می‌باشد که از هفت نوع میوه‌ی خشک و برنج، عدس، خرسه، نخود، تخمه‌ی آفتابگردان، تخمه کدوی بو داده، کشمش و گردو تهیه شده و در هر خانواده باید آن را تهیه می‌کرد و به نام هفت امشاسپند در سفره‌ی چهارشنبه سوری می‌گذاشتند. از این آجیل همه‌ی اعضای خانواده برای شگون و تندرستی می‌خورند، سپس در کوزه‌ی کهنه‌ی سال پیشین مقداری آب ریخته از بالای بام به زمین می‌انداختند زیرا می‌گفتند که فروهرها از کوزه‌ی نو دیدن خواهند کرد و از آب آن کوزه‌ی کهنه که به معنی روشنایی بود در خانه

آن‌ها پاشیده می‌شد. در زمان ساسانیان به جای آب سکه‌هایی را درون کوزه می‌انداختند و آن‌را از پشت بام به زمین پرتاب می‌کردند به منزله‌ی این‌که روزی و برکت برای آنان نازل شود. (۷)

پا نوشت‌ها و بن نوشت‌ها:

۱. از نوشتار «چارشنبه سوری در دو متن کهن» - رضا مرادی غیاث آبادی، تارنمای پژوهش‌های ایرانی
۲. تاریخ (مزارات) بخارا - ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی - ترجمه‌ی ابونصر قبادی - به کوشش تقی مدرس رضوی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱، ص ۳۷.
۳. شاهنامه‌ی فردوسی - تصحیح رستم علی‌یف - انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی، جلد هشتم، مسکو، ۱۹۷۰، ص ۳۷۷ تا ۳۷۹؛ بیت آخر به نقل از نسخه‌ی دستنویس موزه‌ی بریتانیا.
۴. از نوشتار «چارشنبه سوری در دو متن کهن»
۵. راهنمای زمان جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان - رضا مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۴.
۶. چهارشنبه سوری - فرشته رفیع زاده، ۱۳۸۲. (با اندکی تخلص)
۷. اصل و نسب و دین‌های ایران باستان - عبدالعظیم رضایی چاپ سوم ۱۳۷۴.
۸. جشن‌های آتش - هاشم رضی چاپ سوم ۱۳۸۴.

[/http://www.ariaboom.com/content/view/793/2](http://www.ariaboom.com/content/view/793/2)

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>